

اصول و راه‌کارهای احیای در سیره حضرت زینب علیها السلام

سارا رضایی*

چکیده

نهضت و قیام کربلا از مهم‌ترین حوادث تاریخ اسلام به شمار می‌رود و از زوایای مختلفی قابل بررسی و تحلیل است. این نهضت که حق را از باطل جدا نمود، از سویی تأثیر ژرف و شگرفی در بیداری مسلمانان گذارد و از سوی دیگر، تبلیغات منفی چندین ساله امویان را نقش بر آب ساخت.

بی‌شک عقیده بنی‌هاشم، زینب کبری علیها السلام بود که با تبلیغات بجا، روشن و به‌ویژه با خطابه‌های افشاگرانه خویش در کوفه و شام توانست بر افکار مسلمانان تأثیر عمیقی گذاشته و آنها را از خواب غفلت بیدار کند و چهره واقعی امویان را برملا سازد.

مهم‌ترین پیامدهای خطبه‌های آن حضرت عبارتند از: تحقیر دشمن و حفظ کرامت اهل‌بیت علیهم السلام، افشای ماهیت بنی‌امیه، تبیین مظلومیت امام حسین علیه السلام، کنار زدن نقاب ظالمین، تأیید و تثبیت امامت و... در واقع اگر بیداری اسلامی و تبیین حماسه عاشورا از سوی حضرت زینب علیها السلام انجام نمی‌شد، نهضت عاشورا چنین ماندگار نمی‌ماند.

کلید واژه: تبلیغ، بیداری اسلامی، احیای، حضرت زینب.

* دانش پژوه کارشناسی ارشد تفسیر علوم و قرآن، موسسه آموزش عالی بنت الهدی

مقدمه

نهضت خونین و جاودانه کربلا از مهم‌ترین حوادث تاریخ اسلام به شمار می‌رود. ابعاد انقلاب حسینی از زوایای گوناگون قابل بررسی است. این نهضت، حق را از باطل جدا نمود و تأثیری ژرف بر بیداری مسلمانان گزارد و از سوی دیگر، تبلیغات چندین ساله امویان را نقش بر آب ساخت. در تاریخ، انقلاب‌های فراوانی رخ داده و افراد بسیاری از خودگذشتگی و فداکاری کرده‌اند، ولی با گذشت زمان، از یادها رفته‌اند. در حالی که نهضت عاشورا نه اینکه با مرور زمان کم‌رنگ نشده، بلکه روزبه‌روز در دل‌های مسلمانان، ماندگارتر می‌شود.

بی‌شک، بی‌بدیل‌ترین نقش و مؤثرترین تبلیغ را در راه زنده‌نگه‌داشتن این انقلاب، عقیده بنی‌هاشم، حضرت زینب کبری علیها السلام بر عهده داشت که در جاودانگی و تداوم این نهضت بزرگ کوشید و بنی‌امیه را رسوا ساخت. این نوشتار بر آن است تا نقش تبلیغی حضرت زینب علیها السلام را با محوریت خطابه‌های حضرت در آگاهی‌بخشی و بیداری مسلمانان مورد کنکاش قرار دهد.

واژه‌شناسی

تبلیغ

تبلیغ، واژه‌ای عربی و مصدر متعدی بر وزن «تفعیل» از ماده «بلغ» است که معنای لغوی آن، رساندن و واصل کردن است.^۱ دهخدا در لغت‌نامه می‌نویسد: «تبلیغ، در لغت به معنی رسانیدن خبر و رسانیدن عقاید دینی یا غیر آنها با وسایل ممکنه».^۲

در اصطلاح، برای تبلیغ معناهای گوناگونی برشمرده‌اند؛ گاهی سخن از تبلیغ به معنای اعم آن است که تمام گونه‌های آن یعنی، تبلیغات سیاسی، مذهبی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... را شامل می‌شود و «رساندن هر گونه پیام برای اقناع مخاطبان با هدفی خاص» تعریف می‌گردد.^۳

بیداری

در لغت، بیدار به کسی گفته می‌شود که در خواب نباشد، این واژه در مقابل خوابیده و به معنی آگاه و هوشیار است. بیداری در اصطلاح نیز به معنای بیدار بودن و هوشیار بودن است.^۴ مفهوم اصطلاحی آن را از جملات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) بهتر می‌توان دریافت:



بیداری اسلامی یعنی، حالت برانگیختگی و آگاهی که در امت اسلامی اکنون به تحولی بزرگ در میان ملت‌های این منطقه انجامیده و قیام‌هایی را پدید آورده که هرگز در محاسبه شیاطین مسلط منطقه‌ای و بین‌المللی نمی‌گنجد؛ خیزش‌های عظیمی که حصارهای استبداد و استکبار را ویران و قوای نگهبان آن را مغلوب و مقهور ساخته است.^۵

نگاهی کوتاه به تاریخ

در بررسی رویدادهای برجسته صدر اسلام، نقاط دقیق و تمایز یافته‌ای از رویارویی اسلام اصیل و اسلام دروغین به دست می‌آید؛ جنگ‌های جمل، صفین و نهروان، شهادت امام علی علیه السلام، صلح امام حسن علیه السلام، بیعت گرفتن برای یزید، حماسه کربلا، نهضت مختار و قیام‌های علویان.

حضرت زینب علیها السلام در شرایطی زیسته است که خون‌ریزی و ستم دستگاه خلفای اموی در میان حاکمان آن روزگار بی‌سابقه بود. وی که از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله بود مسئولیت نگهبانی از ارزش‌های اسلام اصیل را در خود احساس می‌کرد. از این رو، پس از واقعه کربلا ضمن بیان افتخار و عزت اسلام و خاندان نبوت پرده از دورویی امویان برداشت و به استناد تاریخ، خاندان اموی را رسوا کرد.

در نزد روشنفکران اسلامی از قیام امام حسین علیه السلام با نام «انقلاب» یاد می‌شود؛ انقلابی که به طور طبیعی زاینده حوادث تاریخ اسلام است، انقلابی که امام حسین علیه السلام با آگاهی کامل و با نیمه تمام رهاکردن مناسک حج تمتع، به کربلا می‌رود که از سویی به بسیاری پرسش‌ها پاسخ می‌دهد و از دیگر سو، پرسش‌های جدیدی ایجاد می‌کند. باید توجه داشت که اگر حرکت امام حسین علیه السلام و عاشورا را فقط رویدادی ساده و تاریخی بدانیم، نمی‌توان نقش حضرت زینب علیها السلام و رسالت ایشان را به کمال شناخت.

انقلاب امام حسین علیه السلام در روزگاری روی داد که شناخت آن روزگار در بررسی این قیام بسیار مؤثر است. روزگاری که اختناق و سرکوب بر جامعه اسلامی سایه افکنده بود، دستگاه خلافت اموی با سیاست تبلیغی خود حقایق را دگرگون کرده و انحراف از اسلام



ناب را گسترش می‌داد. فسق، فجور، تباهی و ستم بر جامعه اسلامی حاکم بود و تکاثر ثروت، پول‌پرستی و افتخارهای جاهلانه به ارزش تبدیل شده بود. در چنین شرایطی امام حسین علیه السلام برای زنده نمودن ارزش‌ها قیام کرد و پس از او نیز باید کسی باشد که پیام این قیام را زنده نگه دارد. این مسئولیت، بر شانه‌های ظریف زنی است که مردانگی در رکاب او جوانمردی آموخت. بنابراین، وقتی از قیام امام حسین علیه السلام با نام انقلاب یاد می‌شود، بهتر و دقیق‌تر می‌توان به نقش و جایگاه حضرت زینب در بیداری و روشننگری اندیشه و دل‌های مسلمانان آگاه شد.

حضرت زینب علیها السلام در روز پنجم جمادی‌الاولی در مدینه و در خانه‌ای که سرپرستی آن را سه تن از پاک‌ترین بندگان خدا بر عهده داشتند، چشم به جهان گشود؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، امیر مؤمنان علیه السلام و سرور زنان جهان، فاطمه زهرا علیها السلام. در خاندان نبوت، رسم بر این بود که نام‌گذاری نوزادشان را به بزرگ خانواده واگذار می‌کردند. پس از ولادت حضرت زینب علیها السلام، حضرت فاطمه علیها السلام نوزاد را به دست حضرت علی علیه السلام داد و فرمود: «نام این کودک را برگزین». امام علی علیه السلام فرمود: «من از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در نام‌گذاری دخترم، سبقت نمی‌گیرم». ^۷ در آن هنگام، پیامبر در سفر بود. چون بازگشت، امیر مؤمنان علیه السلام از ایشان خواست تا نامی بر نوزاد گزارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «من از خدایم در نام‌گذاری او پیشی نمی‌گیرم». آنگاه از جانب خداوند، جبرئیل فرود آمد و گفت: «خداوند، نام این دختر را «زینب» برگزیده و آن را در لوح محفوظ نگاشته است». ^۸ این نام‌گذاری، بیانگر آن است که ایشان جایگاه و مقام ویژه‌ای دارد. آنگاه جبرئیل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را از مصیبت‌هایی که برای زینب علیها السلام رخ می‌دهد، باخبر ساخت. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گریست و فرمود: «هر کس بر اندوه و مصیبت این دختر گریه کند (پاداش او) مانند کسی است که بر دو برادرش حسن و حسین علیه السلام گریه بنماید». ^۹

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن مولود مبارک را طلبید، بوسید و فرمود: «به حاضران و غایبان اتم وصیت می‌کنم که حرمت این دختر را پاس بدارند، همانا وی مانند خدیجه کبری علیها السلام است». ^{۱۰} این تشبیه معنادار، بیانگر این است که حضرت زینب علیها السلام همانند آن بانوی والامقام که در پیشبرد اسلام، نقش چشمگیر داشت، نقش بسزایی در حفظ رهاوردهای عاشورا دارد.



شخصیت حضرت زینب علیها السلام

روان‌شناسان، سه عامل مهم وراثت، تربیت و محیط را از اساسی‌ترین عوامل در ساختار پایه‌های شخصیت آدمی^{۱۱} می‌دانند. این سه عنصر مهم، در زندگی حضرت زینب علیها السلام جایگاه ویژه‌ای داشت و برای بررسی رسالت حضرت زینب علیها السلام باید نخست، شخصیت ایشان را بررسی نمود. این بانو در خانه وحی تربیت شد؛ خانه‌ای که همگی اعضای آن، پایه‌های رسالت‌اند.

۱. وراثت

جد ایشان، خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله بود و زینب علیها السلام از خمیره ذات ایشان آفریده شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «فرزندان فاطمه (حسن، حسین، زینب، ام کلثوم) که من، ولی و سرپرستی نسبی آنها هستم، از طینت و خمیره ذات من آفریده شده‌اند».^{۱۲} مادر این بانو، دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و بهترین زنان عالم است و پدرش مولای متقیان علی علیه السلام، وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله است. از این رو، شخصیت حضرت زینب علیها السلام آمیزه‌ای از حالات ملکوتی رسول خدا صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام است و این بانو مراتب کمال خویش را از این سه شخصیت بزرگ به ارث گرفته است.

۲. تربیت

حضرت زینب علیها السلام از ولادت تا شش سالگی در دامان پرمهر پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام تربیت یافت.^{۱۳} مربیان این بانوی بزرگ، پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام و مادری همچون فاطمه علیها السلام و برادرانی همانند امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام بودند و این تربیت آسمانی سبب شد که او سومین بانوی جهان اسلام پس از خدیجه علیها السلام و فاطمه علیها السلام به شمار آید.

۳. محیط

حضرت زینب علیها السلام در کانون فضایل، صفا و صمیمیت رشد و نمو یافت؛ خانه‌ای که مرکز امید و آرزوها و محبوب دل‌های مؤمنان بود. در چنین محیط نورانی و پربرکتی، ارزش‌های دینی و انسانی در وجود حضرت زینب علیها السلام بارور شد. ایشان سخنرانی مادرش را در مسجد و در دفاع از کیان اسلام و ولایت فراموش نکرد و از آن درس عفاف و نگاهبانی از دستاوردهای جد بزرگوارش را فراگرفت.



فضایل و مناقب

۱. علم و دانش

سخنان و خطبه‌های آتشین همراه با استدلال به آیات قرآن، در کوفه و شام، شاهدهی بر دانش این بانوی بزرگ است. کسی که از محضر پیامبر ﷺ (شهر علم) و حضرت علی علیه السلام (دروازه علم) کسب دانش نموده باشد، باید دریای علم باشد. برادرزاده بزرگوارش، علی بن الحسین علیه السلام درباره‌اش فرمود: «یا عمه، انت بحمدالله عالمة غیر معلمه و فہمہ غیر مفہمہ...»^{۱۴} عمه جان، تو - به حمدالله - دانشمند بدون تعلم و دانای بدون آموزنده هستی.»

۲. عبادت

عبادت، والاترین مقام آدمی است و از این‌رو، بیشتر ساعت‌های زندگی حضرت زینب علیها السلام به عبادت سپری شد. ایشان چنان به عبادت اشتغال ورزید که به «عابدہ آل علی» ملقب شد.^{۱۵} امام زین العابدین علیه السلام می‌فرماید:

عمہام زینب در طول سفر اسارت از کوفه تا شام، نمازهای واجب و مستحب خود را انجام می‌داد و در بعضی منزلگاه‌ها می‌دیدم که ایشان در اثر ضعف و گرسنگی، نماز خود را نشسته می‌خواند؛ چراکه سهمیه غذای خود را در میان کودکان تقسیم می‌کرد و دیگر توان ایستادن نداشت.^{۱۶}

۳. حجاب و عفت

عقیله بنی‌هاشم در حجاب و عفت مانند مادرش حضرت زهرا علیها السلام بود و به این موضوع، اهمیت بسیار می‌داد. تا پیش از عاشورا و ماجرای اسارت، هیچ نامحرمی حضرت زینب علیها السلام را ندیده بود. در تاریخ آمده است:

هنگامی که زینب می‌خواست به مسجدالنبی ﷺ کنار قبر رسول خدا ﷺ برود، علی علیه السلام دستور می‌داد شب برود، به حسن و حسین علیه السلام می‌فرمود: همراه خواهرشان باشند، حسن علیه السلام جلوتر و حسین علیه السلام پشت سر، زینب علیها السلام در وسط حرکت می‌کردند. آنها از سوی مولای متقیان مأمور بودند که حتی چراغ روی مرقد مطهر پیامبر را خاموش کنند تا چشم نامحرم به قامت زینب نیفتد.^{۱۷}

علامه مامقانی در این باره می‌گوید: «زینب در حجاب و عفاف، یگانه روزگار بوده است. کسی



قصه‌نامه‌ای در عرصه مقامات زنان و خاتونه



از مردان، در زمان پدرش و برادرانش تا روز عاشورا، او را ندیده بود»^{۱۸}.

۴. صبر و استقامت

حضرت زینب علیها السلام نمونه عالی صبر و پایداری است و در زمره بزرگ‌ترین صابران به شمار می‌رود. او با بهره‌گیری از این فضیلت توانست در آزمون‌های الهی پیروز و موفق باشد. در بلندای صبر و بردباری آن بانوی بزرگ، همین بس که وقتی در برابر پیکر خونین برادرش، امام حسین علیه السلام رسید، رو به آسمان کرد و فرمود: «بار خدایا، این اندک قربانی و کشته در راه خودت را از ما (خاندان پیامبر) بپذیر»^{۱۹} و در زیارت‌نامه آن حضرت می‌خوانیم: «لقد عجت من صبرک ملائکه السماء؛ ملائکه آسمان از صبر تو به شگفت آمدند».

۵. شجاعت

حضرت زینب علیها السلام در شجاعت، یکه‌تاز روزهای سخت پس از عاشورا بود. خطبه‌های آتشین و افشاگرانه بر ضد دستگاه امویان و گفتار کوبنده‌اش در دفاع از نهضت حسینی و بیدار کردن دل‌های خفته و صلابت بی‌نظیر ایشان در کوفه و شام، بیانگر این شجاعت است.

۶. فصاحت و بلاغت

زینب علیها السلام این بانوی قهرمان که فصاحت و بلاغت را از پدر و مادر گرمی‌اش به ارث برده بود. بدون اینکه آموزش دیده باشد و یا تمرین خطابه کرده باشد، در حال تشنگی، گرسنگی، خستگی، اسارت و با روانی آزرده از داغ عزیزان و آوارگی، با کسانی سخن می‌گوید که نه فقط با او هماهنگ نیستند، سنگ و خاکروبه نیز بر سر او می‌ریزند. با این حال، صدای زینب بلند می‌شود که «ای مردم کوفه، ای نیرنگ‌بازان و بی‌وفایان...». سخنان حضرت زینب علیها السلام چنان بود که وجدان خفته مردم را بیدار کرد و صدای گریه از زن و مرد و پیر و جوان و خردسال بلند شد.

جایگاه تبلیغ حضرت زینب علیها السلام در روشنگری مسلمانان

۱. در اجتماع

حضرت زینب علیها السلام با احاطه کامل بر روش‌های سیاسی، فرهنگی و تبلیغی امویان به بیداری و آگاه‌سازی مسلمانان در مورد انحراف‌های آنان می‌پرداخت. وی این رویارویی اسلام اصیل



و اسلام دروغین را مواجهه اسلام و کفر می‌دانست و حقایق تاریخی بسیاری را آشکار می‌ساخت. آن حضرت از کودکی، در رخداد‌های سیاسی و اجتماعی حضور داشت. از نگاه حضرت زینب علیها السلام حوادث بزرگی چون جنگ صفین، شهادت امام علی علیه السلام، امام حسن و امام حسین علیهم السلام و اسارت خاندان نبوی نتیجه عقده‌گشایی و خواری خانواده ابوسفیان بود؛ زیرا این خاندان، ضربه‌های مهلکی از آموزه‌های اسلام خورده بودند.

حضرت زینب علیها السلام باید در همه عرصه‌های جهاد و مبارزه، حضوری فعال داشته باشد؛ هم خطیب، محافظ حضرت سجاد علیه السلام و اسرای دیگر و هدایت‌گر و ترسیم‌گر خط‌مشی سیاسی کاروان باشد و هم بیان‌کننده احکام شرع، بیدارکننده دل‌ها و پاسخ‌گوی یابوهرابی دشمن. بدین ترتیب، ایشان در بحرانی‌ترین لحظات زندگی خود، درحالی که سختی‌ها از هر طرف او را فراگرفته بود، توانست به خوبی به وظیفه الهی خویش عمل نماید.

۲. در نهضت عاشورا

امام حسین علیه السلام برای بیداری مسلمانان، فقط به شمشیر و قیام در میدان نبرد بسنده ننمود. بلکه از ابزارهای نرم و تأثیرگذار دیگری چون افکار عمومی و هدایت آنها به سوی مقصد و مطلوب قیام بهره جست. آن حضرت در هر فرصت و بستری که برای کار فرهنگی و تبلیغی فراهم بود، به قدرت بیان متوسل می‌شد و به تشریح علل ایجاد و غایی قیام می‌پرداخت؛ زیرا قیام حسینی زمانی می‌توانست به هدف برسد که مردمان را هم‌دل و همراه سازد و این مهم، جز با بیداری و روشننگری جامعه امکان‌پذیر نبود. پس از واقعه دردناک کربلا نیز باید شخصی ادامه این مسئولیت سنگین را به عهده می‌گرفت تا به مردمان بیدار شده از شمشیر کربلا بیان بفهماند که اکنون زمانه قیام برای عدالت است. جز حضرت زینب علیها السلام چه کسی می‌توانست پرچم این رسالت را بر دوش بگیرد؟

بهره‌برداری بهینه از ابزارهای تبلیغ

با توجه به اینکه تبلیغ، شیوه‌های گوناگونی دارد، ابزارهای گوناگونی را نیز می‌طلبد که هر کدام در جایگاه خویش اهمیت دارد. بانوی قهرمان کربلا برای زنده نگه داشتن قیام خونین کربلا و بیدارسازی مسلمانان، از ابزارهای گوناگونی مانند رفتارهای عالمانه، به‌کارگیری اصول



روان‌شناسی، دعا و عبادت، گریه و فغان و برپایی مجلس سوگواری بهره می‌جست، ولی مهم‌ترین ابزاری که توانست نقش تأثیرگذاری در ماندگاری این نهضت، جاودانی و روشنگری آن داشته باشد، خطبه‌های روشنگر آن حضرت به ویژه در کوفه و شام بود.

خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام

حضرت زینب علیها السلام دو خطبه اصلی؛ یکی در کوفه و دیگری در شام (مجلس یزید) ایراد نمود که هر دو اهمیت بسزایی دارد. این دو خطبه هم از حیث مضمون و محتوا و هم شرایط مکانی و موقعیت ایراد آن متفاوت‌اند. مورخان، تاریخ‌دانان و بلاغیونی که در خطبه حضرت، تأمل و تدبر کرده‌اند، به ویژگی‌ها و صفاتی اشاره داشته‌اند که باید در تمام تبلیغ‌گران باشد. راوی این خطبه، بشیر بن خزیم درباره صلابت و قوت بیان آن حضرت می‌گوید:

و لم أرَ خِبرَةً و الله انطق منها كما تفرغ من لسان امير المؤمنين عليه السلام.^{۲۰}

به خدا سوگند، هرگز من زن باحیا و محجوبی را سخنگوتر از زینب علیها السلام ندیدم. گویا این کلمات از زبان علی بن ابیطالب علیه السلام شنیده می‌شود.

نکته ظریف و مهمی که برای آگاهی‌بخشی مسلمانان در خطبه‌ها و سخنان حضرت زینب علیها السلام به چشم می‌خورد، آن است که ترتیب ویژه‌ای را در بیان مطالب رعایت می‌کند؛ یعنی محتوا و مضمون سخنان خود را با بیان شیوا و رسا، ابتدا به کتاب خدا، سپس احادیث جدش پیامبر صلی الله علیه و آله و پدرش امام علی علیه السلام و پس از آن به رویدادهای تاریخی مستند می‌کند. حضرت زینب علیها السلام به سنت‌های حتمی و قطعی خداوند در آفرینش اشاره می‌کند و در باب نبرد حق و باطل به بیان قانون «پیروزی نهایی حق بر باطل» می‌پردازد که چگونه با همه دسیسه‌ها و نیرنگ‌ها، حقیقت پیروز و ماندگار خواهد شد.

خطبه حضرت زینب علیها السلام در کوفه

پس از آنکه ابن سعد، اهل‌بیت امام حسین علیه السلام را به اسارت از کربلا به کوفه و سپس شام حرکت داد، فرجام این برخورد با توجه به ظاهر حادثه، باید نابودی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و پیروزی پایدار حکومت امویان می‌بود، ولی حضور فعال اهل‌بیت در کوفه و شام، به ویژه



خطبه‌های پرشور و بیدارکننده حضرت زینب علیها السلام نتیجه را به گونه‌ای دیگر رقم زد که در پایان، یزید سرشکسته و شرمنده و پشیمان، مجبور شد آنها را به مدینه بازگرداند. خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام متناسب با شرایط زمان و مکان بیان می‌گردید تا کسانی را که گرفتار تبلیغات امویان شده بودند، بیدار کند. حضرت زینب علیها السلام و کاروان او، سازمان تبلیغی امام حسین علیه السلام بودند و سرنوشت قیام و آگاهی‌بخشی مردم به دست آنها بود. اسیران، در حالی وارد کوفه شدند که نیروهای امنیتی عبیدالله بن زیاد سواره و پیاده، راه‌های ورودی و خروجی شهر و کوچه‌های آن را تحت مراقبت قرار داده بودند تا هرگونه حرکت مشکوکی را مهار کنند. از سوی دیگر، جارچیان و جاسوسان حکومت، ورود اسیران را به شهر اعلام کرده و مردم را برای تماشا دعوت نموده بودند.^{۲۱}

عبیدالله از سوی یزید، دستور داشت که اهل بیت علیهم السلام را در شهر بگرداند تا قدرت حکومت خود را به آنان بنماید. تبلیغات بنی‌امیه، اسیران را خارجی (به معنی خارج‌شده از دین) معرفی کرده بود. هنگامی که سر مطهر امام حسین علیه السلام و یاران ایشان را بر نیزه‌ها زدند و همراه اسیران در شهر کوفه گرداندند، فضای وحشت ایجاد شد، شهر در قبضه مأموران قرار گرفت و نفس‌ها در سینه حبس گردیده بود. چنین فضای تاریکی، فریادگر قهرمان و شجاعی می‌خواست تا مردم را آگاه ساخته و آنان را علیه یزیدیان برانگیزاند. راوی نقل می‌کند که حضرت زینب علیها السلام بر مردم نهیب زد: «خاموش باشید». با این نهیب، زنگ اشتران نیز از صدا افتاد. آن‌گاه زینب علیها السلام شروع به ایراد خطبه نمود. مهم‌ترین محورهای این خطبه بدین شرح است:

۱. آغاز خطبه با ستایش پروردگار

ابتدای خطبه کوفه، شباهت‌های عجیبی با خطبه‌های امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه داشت. در حالی که خطبه شام، با حمد و ثنای بسیار اجمالی خداوند بیان می‌شود در خطبه کوفه، ثنا و حمد خدا و قدرت خداوند در آفرینش به شرح مفصل بیان می‌گردد. این خطبه خاطره سخن‌گفتن امیر مؤمنان را در ذهن کوفیان زنده می‌کند.

۲. اشاره به تسلسل و پیوستگی امامت در خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله

بیان اینکه پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، سکان هدایت امت به امام علی علیه السلام، سپس به امام



حسن علیه السلام و بعد به امام حسین علیه السلام رسیده است و حق خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را غاصبان و امویان غصب نموده‌اند. عباراتی چون «برادر و وصی رسول خدا را کشتید و امیرالمؤمنین را شهید کردید و برادر من سیدالشهدا را کشتید»^{۲۲} نشانه‌ای از این هدف است.

۳. استناد به آیات قرآن

حضرت با خواندن آیات قرآن، غصب حق رهبری را به دست امویان بیان می‌دارد:
 بارالها این مردم برخلاف آنچه در قرآن فرستادی و عهد و میثاق کردی درباره
 وحی پیغمبرت صلی الله علیه و آله و علی بن ابی طالب علیه السلام، حق او را سلب کردند و پیروان او را
 به ستم و جور کشتند و امروز فرزندان او را کشتند.^{۲۳}

در فرازی دیگر از این خطبه، زینب کبری علیها السلام فرمود:

ای جماعت نیرنگ و افسون، آیا بر ما گریه می‌کنید؟ اشک چشمانتان خشک
 نگردد و ناله‌هایتان فروکش نکند! مثل شما مثل زنی است که پس از آنکه پشمش
 را با قدرت می‌ریسد، دوباره آن را باز کرده و پنبه می‌کند، شما نیز عهد و پیمان
 را با یکدیگر می‌شکنید. شما جگر گوشه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سید جوانان اهل بهشت
 را کشتید. آیا می‌دانید که چه جگری از پیامبر صلی الله علیه و آله شکافتید و چه پیمانی گسستید؟
 آیا تعجب می‌کنید اگر از جنایاتتان، آسمان خون ببارد؟...^{۲۴}

پیامد خطبه کوفه

حضرت زینب علیها السلام خطابه را پایان داد. او که با قلبی داغدار، جنایت‌های کربلا را شرح می‌داد، هیجان زیادی در کوفه ایجاد کرد و وضع روحی مردم را دگرگون ساخت. راوی می‌گوید:
 «فوالله رایت الناس یومئذ حیاری ییکون و قد وضعوا ایدیهم فی افواههم»^{۲۵} پس از خطبه آن
 حضرت، مردمی که با افسونگری‌های حکومت، در خواب مرگبار فرورفته بودند، بیدار شدند.
 سخنان حضرت زینب علیها السلام مانند صیحه آسمانی، محیط کوفه را گرفت و بر آن، اثر جانسوز
 گزارد. ایشان، مردم را نکوهش کرد تا ابن زیاد نتواند حقایق تلخ عاشورا و ماهیت قیام امام
 حسین علیه السلام را منحرف سازد و افکار کوفیان برای گرفتن انتقام از عاملان آن حادثه آماده شود.
 در پایان خطبه، آشوب شهر و قیام علیه حکومت احساس می‌شد. بلکه در پی
 این خطبه، هیجانی به وجود آمد که دیگر آرام نشد تا سرانجام، مردم گرد مختار

آمدند و دست به انقلابی زدند که فرزند زیاد و همه شرکت کنندگان را فراگرفت و آنها را به دست انتقام سپرد.^{۲۶}

پس از فاجعه کربلا، یزید از شنیدن شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش شادمان گردید. او به عبیدالله نامه نوشت که قافله اسیران را با سرهای شهدا به شام بفرستد. ابن زیاد با رسیدن نامه یزید، دستور او را اطاعت نمود.^{۲۷} موقعیت حکومت یزید تا پیش از ورود اسرا به شام، بسیار محکم بود و مردمانش، سالها بغض خاندان علی علیه السلام را داشتند؛ که تبلیغات دودمان ابوسفیان را شنیده بودند. از این رو، می توان پیش بینی کرد که مردم فریب خورده این سرزمین، چگونه از کاروان حسینی استقبال خواهند نمود:

هنگام ورود اهل بیت علیهم السلام در شام، مردم لباس های نو بر تن کنند! و شهر را زینت دهند! و نوازندگان مشغول نواختن شده و شادمانی چنان مردم را فراگرفته بود که گویا شام، یکپارچه غرق در سرور است.^{۲۸}

طولی نکشید که حضرت زینب علیها السلام در خطبه ای، جنایت های ننگین بنی امیه را افشا کرد و دل های خفته آنان را بیدار نمود. آنگاه از سوئی، دشمنی شامیان نسبت به اهل بیت علیهم السلام را به علاقه و محبت بدل نمود و از سوی دیگر، خشم عمومی را متوجه یزید ساخت.

حضرت زینب علیها السلام در کاخ یزید

یزید از قتل امام حسین علیه السلام و پیروزی خود سرمست بود؛ مجلسی بی سابقه ترتیب داد که اشراف و سران لشکری در آن شرکت نموده بودند. وی بر بالای تخت زرنگار خود نشسته بود و قدرت خویش را می دید. «در این هنگام، دستور داد سر مطهر امام حسین علیه السلام را در برابر او حاضر سازند و زنان و فرزندان آن حضرت را وارد مجلس کنند».^{۲۹} در این هنگام آن ناپاک زاده، اشعار کفرآمیزی می خواند و درباره پیروزی های خود یاهو می گفت و آیات قرآن را به نفع خود تأویل می کرد.^{۳۰} پس از این سخنان، ناگهان حضرت زینب علیها السلام از گوشه مجلس بر پای ایستاد و بر مجلس چیره شد. آن حضرت با منطق کوبنده خویش آن فرومایه را رسوا ساخت و حقایقی را که دهها سال بر مردم شام مخفی شده بود، نمایان کرد. ایشان خطبه خود را با بیان کمالات حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم آغاز کرد که به برخی از قسمت های آن اشاره می کنیم:



حمد و سپاس خدایی را که پروردگار عالمیان است و درود بر جدم، سرور
رسولان و پیامبر ﷺ. راست گفت خداوند متعال که فرمود: «آنگاه عاقبت کسانی
که اعمال زشت انجام دادند، این بود که آیات الهی را تکذیب نموده و آن را
مسخره می کردند».

سپس فرمود:

ای یزید گمان کردی از اینکه ما را گرفتار ساختی و به صورت اسیر در این
شهر و آن شهر گردانیدی، این کارها سبب بی‌مقداری ما و دلیل قدرتمندی تو
خواهد بود؟ و خداوند مددکار توست؟

...ای فرزند آزادشدگان، بنگر! این از عدالت است که زنان و کنیزان خود
را پشت پرده‌ها جای دهی، ولی دختران پیامبر را در مقابل نامحرمان به اسارت
در آری و آنان را با دشمنانشان در شهرها بگردانی؟ ای یزید با این جنایت عظیم،
جز پوست و گوشت خود را پاره نکردی و به زودی که بر پیغمبر وارد شوی، باید
پاسخ خون‌های فرزندان او را بدهی و حرمتی که از اهل بیت علیهم‌السلام و پاره تن او
شکسته‌ای... پاسخ گو باشی.^{۳۱}

پیامد خطبه‌های حضرت زینب علیها‌السلام

خطبه حضرت زینب علیها‌السلام در کاخ سبز یزید، حقانیت امام حسین علیه‌السلام و باطل بودن یزید را
آشکار ساخت. حضرت زینب علیها‌السلام در حالی خطبه خواند که قلبش داغدار عزیزان و بازوهایش
بسته و سر بریده امام حسین علیه‌السلام در میان طشت در برابرش بود و شخصیت‌های کشوری و
لشکری یزید در مجلس حضور داشتند. شگفت‌انگیز است که دختر امیرمؤمنان علیه‌السلام اینچنین
یزید را توبیخ و تحقیر نمود و او را زاده هند جگرخوار خواند. حضرت در این خطابه، هم
جنایت‌های یزید را آشکار کرد و هم به او گفت: «از جفای روزگار است بر من که مرا در شرایطی
قرار داده است که با تو سخن بگویم، هر چند تو کوچک‌تر از آنی».^{۳۲} این خطبه، زمینه بیداری
اهل شام را فراهم آورد و حکومت دمشق را دچار مشکلات فراوانی نمود.

حضرت در این خطبه، برخلاف خطبه کوفه که مخاطب آن، مردم بودند، به یزید حمله
می‌کند و تصویری از نبرد حق و باطل و رویارویی خاندان نبوت با خاندان اموی نشان



می‌دهد. در این خطبه، آگاهی‌بخشی و روشنگری حضرت زینب علیها السلام پیچیده و شگفت‌آور است. در این بخش، به مهم‌ترین پیامدهای خطابه حضرت زینب علیها السلام اشاره می‌کنیم.

۱. خار نمودن دشمن و حفظ کرامت اهل بیت علیهم السلام

از جمله روش‌های زینب کبری علیها السلام در نهضت عاشورا، حفظ کرامت نفس در برابر دشمن به ظاهر پیروز و تحقیر دشمنان اهل بیت علیهم السلام در پیشگاه مردم است. حضرت، در مجلس یزید در خطبه‌ای خطاب به یزید می‌فرماید: «این لاستصغر قدرک و استعظم تقریعیک؛^{۳۳} من تو را کوچک می‌شمارم و بسیار سرزنش و توبیخ می‌نمایم».

حضرت در جای دیگر، یزید را چنین مورد خطاب قرار می‌دهد:

ای پسر آزادشدگان آیا از عدل است که زنان و کنیزان خود را پشت پرده جای دهی، ولی دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله را اسیر نموده و آبرو و حرمت آنان را از بین ببری؟!

اصطلاح «ابن الطلقاء» اشاره به ماجرای فتح مکه دارد؛ در این رویداد پس از اینکه معاویه و دیگران به خانه ابوسفیان پناه بردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اینها را آزاد کنید؛ اینها برده‌هایی هستند که ما آزاد کردیم».^{۳۴} زینب کبری علیها السلام به یزید یادآوری می‌کند که خاندانش، آزادشدگان پیامبرند و با این کلام پستی دشمن را نشان می‌دهد. این مسأله برای آگاهی‌بخشی و بیدار کردن دل‌های خفته بسیار مؤثر بود تا به یاد آنان آورند که در آخرین لحظات از ترس جان (به ظاهر) اسلام آوردند.

خطبه‌های زینب علیها السلام پس از عاشورا، کرامت و بزرگواری است و این حفظ کرامت به رسوایی دشمن می‌انجامد. حضرت، انتظار دلسوزی و رحمت را از فرزند مادری ناپاک، بیهوده می‌داند و می‌فرماید: «چگونه می‌توان به دلسوزی و مهربانی کسی که مادرش جگر پاکان را دریده و گوشتش از خون شهیدان رویده است، چشم امید داشت».^{۳۵}

۲. افشای ماهیت بنی‌امیه

حضرت زینب کبری علیها السلام برای رسواسازی خاندان بنی‌امیه، خطاب به یزید می‌فرماید:

ای یزید، آرام باش! مگر فراموش کرده‌ای که خداوند می‌فرماید: «وَلَا يَجْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمِّلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمِّلِي لَهُمْ لِيَزَادُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ



مُهین^{۳۶} آنان که به راه کفر افتند، گمان نکنند مهلتی اگر به آنان دهیم به حال آنها بهتر خواهد بود. بلکه مهلت برای امتحان است تا به سرکشی خود بیفزایند و آنان را عذابی خوارکننده است.»

حضرت با استناد به این آیه، راه کفر را مسیر اصلی حکومت بنی امیه می داند. همان گونه که تاریخ نشان می دهد، بنی امیه به ویژه یزید، اسلام را به صورت علنی زیر پا می نهادند و ستم می کردند. زینب علیها السلام در ادامه سخنانش بدین شکل یزید را مورد خطاب قرار می دهد: «شگفتا که حزب خدا و بزرگان دین به دست حزب شیطان و آزادشدگان کشته شوند و دست نحس آنان به خود پاک ما آلوده شود»^{۳۷}. این کلام حضرت نیز روشن کننده جایگاه و شأن بنی امیه در نظر اهل بیت علیهم السلام است.

افشاگری و معرفی حقیقت فرمانروایان دستگاه اموی، فقط شخص یزید را دربر نمی گیرد. ابن زیاد نیز هنگامی که به حضرت می گوید: «خداوند شما را رسوا کرد و دروغتان را آشکار نمود»، پاسخ می شنود که: «جز این نیست که فاسق و زشتکار رسوا می شود و نابکار و فاجر، دروغ می گوید و او غیر از ماست»^{۳۸}. بنابراین، افزون بر استفاده از قرآن، سخنان خود حضرت نیز در آشکارسازی چهره واقعی حکومت نقشی مهم داشت.

۳. بیان مظلومیت امام حسین علیه السلام و یاران

آن حضرت در بسیاری از سخنان خود با بیانی روشن، مظلومیت اهل بیت علیهم السلام را در کربلا بازگو نمود. زینب کبری علیها السلام در جمع مردم کوفه فرمود:

آیا می دانید چه دلی از رسول خدا خراشیدید و چه جگری از او شکافتید و کدام پرده نشینان عصمت را از پرده بیرون افکندید؟ آیا می دانید چه خونی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر زمین ریختید و چه حرمتی از او هتک نمودید.^{۳۹}

و در جای دیگر می فرماید: «چگونه لکه ننگ ریخته شدن خون پسر خاتم پیامبران و معدن رسالت و سید جوانان اهل بهشت را پاک خواهید کرد»^{۴۰}.

۴. کنار زدن نقاب ستم

«این دست های شما به خون های ما آغشته است و دهان های شما از خوردن گوشت خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باز است...»^{۴۱} در این بخش، اشاره ظریف حضرت به تمام ستم ها و حق کشی های بنی امیه و



ابوسفیان تا زمان شهادت امام حسین علیه السلام است. همچنین زینب علیها السلام ثابت می کند که اگر باطل، قدرتی ظاهری دارد، بدان دلیل است که نقاب حق را به چهره گرفته و خود را حامی قرآن و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله می داند.

۵. جاودانگی نتیجه های مبارزه

زینب کبری علیها السلام با اطمینان به آینده درخشان قیام امام حسین علیه السلام و آگاهی از پیامدهای جاویدان و فراگیر آن در تاریخ بشر، خطاب به یزید می فرماید:

ای یزید، هر چه می توانی در راه دشمنی ما مکر و حيله و نقشه طرح کن و کوشش به خرج بده. به خدا نمی توانی نام ما را از خاطره ها و صفحه تاریخ محو نمایی و فروغ وحی ما را خاموش سازی و از این راه به آرزوی نهایی خود برسی و این ننگ و عار همیشگی را از دامن خود پاک نمایی.^{۴۲}

آن حضرت بر این مطلب تأکید می کند که آثار جاویدان حرکت و جهاد مبارزان راه خدا و آنان که سود شخصی خود را فدای آرمان های مقدس الهی می کنند، به گسترده گی تاریخ می درخشد.

۶. نفعی نیستی پس از شهادت

حضرت زینب علیها السلام در فرازی از خطبه خویش به مسأله مرگ در راه خدا اشاره می کند و مرگ مجاهد و مبارز را پایان زندگی نمی داند. فریاد سفیر کربلا در اسارت همین است که در منطق حسین علیه السلام، شکست راه ندارد و شهادت، یک روی سکه و پیروزی روی دیگر آن است. آن حضرت در پاسخ به یاهو گویی های یزید، به آیه زیر تمسک می جوید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»^{۴۳} هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند، مرده می پندار، بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده می شوند».

آن حضرت در دیدگاه مکتبی خود، روح شهادت طلبی را محور حرکت و قیام اسلامی قرار می دهد و آن را رمز پیروزی و بقا و ثبات حکومت اسلامی در تاریخ می داند.

۷. تأیید و تثبیت امامت

یکی از آرمان های بزرگ حضرت زینب علیها السلام در بیان خطبه ها، تأیید و تثبیت امامت می باشد. آن حضرت با اشاره به تسلسل و پیوستگی نهضت پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان نبوت بیان داشت



که هدایت جامعه پس از رسول اکرم ﷺ به امام علی علیه السلام و سپس به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام رسیده است. به کار بردن عباراتی چون «برادر و وصی رسول خدا ﷺ را کشتید و امیرالمؤمنین را شهید کردید و برادرم و سیدالشهدا را کشتید» نشانه‌ای از این هدف است.

نتیجه

حضرت زینب علیها السلام افزون بر ویژگی‌ها و فضیلت‌های شخصیتی که از خاندان وحی، به ارث برده بود، در ثمربخش بودن نهضت عاشورا و حفظ آن نقش زیادی داشت. وی پیام این قیام عظیم را به گوش همه جهانیان رسانید و دل‌های غفلت‌زده را بیدار نمود. آن حضرت هیاهوی تبلیغات دروغین یزید در میان مردم شام را رسوا نمود و زمینه انقلاب را در کوفه و شام فراهم آورد؛ به گونه‌ای که یزید با دستپاچگی از کار خود اظهار ندامت کرد و اهل بیت پیامبر ﷺ را با احترام فراوان به مدینه بازگرداند.

پی‌نوشت‌ها

۱. حسین بن محمد اصفهانی، معجم المفردات فی غریب القرآن، ص ۶۵.
۲. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ج ۲۶، ص ۲۳۱.
۳. مصطفی عباسی مقدم، شیوه‌های تبلیغی حضرت زینب علیها السلام، ص ۱۶.
۴. حسن عمید، فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۴۰۰.
۵. «فرازهایی از بیانات مقام رهبری در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی»، ۱۳۹۰/۶/۲۶.
۶. محمد محمدی اشتهاردی، حضرت زینب فروغ تابان کوثر، ص ۱۷.
۷. سید کاظم ارفع، حضرت زینب علیها السلام سیره عملی اهل بیت علیهم السلام، ص ۷.
۸. باقر شریف القرشی، السیده زینب علیها السلام، صص ۳۰ و ۳۱.
۹. سید نورالدین جزائری، خصائص الزینبیه، صص ۱۲ و ۱۳.
۱۰. ابوالقاسم الدیباچی، زینب الكبرى بطله الحرّیه، ص ۱۵؛ خصائص الزینبیه، ص ۶۰.
۱۱. عبدالله شفیع آبادی، مبانی روانشناسی رشد، صص ۲۳ و ۳۱.
۱۲. سید مرتضی حسینی فیروز آبادی، الفضائل الخمسه، ص ۱۵۰.
۱۳. حضرت زینب فروغ تابان کوثر، ص ۲۹.
۱۴. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۵.
۱۵. خصائص الزینبیه، ص ۶۰.
۱۶. جعفر النقذی، زینب الكبرى بنت الامام، ص ۷۵.
۱۷. سید عبدالحسین دستغیب، زندگانی حضرت زینب، ص ۱۹.
۱۸. عبدالله مامقانی، تلخیص المقال فی علما الرجال، ج ۳، ص ۷۹.
۱۹. سید علینقی فیض الاسلام، خاتون دو سرا (شرح حال حضرت زینب)، ص ۱۸۵.
۲۰. علی بن موسی بن طاووس، اللهوف علی قتلی اللطوف، ص ۱۷۵.
۲۱. احمد صادق اردستانی، زینب قهرمان دختر علی، صص ۲۷ و ۲۸.
۲۲. ر.ک: الاحتجاج، صص ۱۱۰ و ۱۱۲؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، صص ۱۰۸ و ۱۰۹؛ شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ص ۲۴۷.
۲۳. ر.ک: همان
۲۴. ر.ک: همان
۲۵. اللهوف علی قتلی اللطوف، ص ۱۷۸.
۲۶. عبدالکریم هاشمی‌نژاد، درسی که حسین به انسان‌ها آموخت، ص ۳۱۶.
۲۷. همان
۲۸. حضرت زینب فروغ تابان کوثر، صص ۳۲۷ و ۳۲۸.
۲۹. درسی که حسین به انسان‌ها آموخت، ص ۳۳.
۳۰. حضرت زینب فروغ تابان کوثر، ص ۲۴۸.
۳۱. الاحتجاج، صص ۳۰۷ و ۳۱۰.
۳۲. ر.ک: الاحتجاج، صص ۱۱۰ و ۱۱۲؛ بحارالانوار، ج ۴۷، صص ۱۰۸ و ۱۰۹؛ نفس المهموم، ص ۲۴۸.
۳۳. اللهوف علی قتلی اللطوف، ص ۲۱۸.
۳۴. علی بن محمد بن اثیر، الکامل، ج ۲، ص ۲۴۶؛ بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۱۰۶.
۳۵. ر.ک: الاحتجاج، صص ۱۱۰ و ۱۱۲؛ بحارالانوار، ج ۴۵، صص ۱۰۸ و ۱۰۹؛ نفس المهموم، ص ۲۴۷.
۳۶. آل عمران: ۱۷۸
۳۷. ر.ک: الاحتجاج، صص ۱۱۰ و ۱۱۲؛ بحارالانوار، ج ۴۵، صص ۱۰۸ و ۱۰۹؛ نفس المهموم، ص ۲۴۸.
۳۸. اللهوف علی قتلی اللطوف، ص ۱۹۰.
۳۹. همان، ص ۱۷۶.
۴۰. همان
۴۱. همان
۴۲. اللهوف علی قتلی اللطوف، ص ۲۱۹.
۴۳. آل عمران: ۱۶۹



فصلنامه‌ای در عرصه مطالعات زنان و خانواده



فهرست منابع

۱. قرآن
۲. ابن اثیر، علی بن محمد، *الکامل*، بیروت، انتشارات دار صادر، ۱۳۸۵ق.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، *اللّهوف علی قتلی اللطوف*، ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایش، قم، انتشارات نوید اسلام، ۱۳۷۷.
۴. ارفع، سید کاظم، *حضرت زینب علیها السلام سیره عملی اهل بیت علیهم السلام*، تهران، انتشارات قادر، ۱۳۷۷.
۵. اصفهانی، حسین بن محمد، *معجم المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
۶. جزائری، سید نورالدین، *خصائص الزینبیه*، ترجمه باقر ناصری، قم، انتشارات جمران، ۱۳۷۹.
۷. دستغیب، سید عبدالحسین، *زندگانی حضرت زینب علیها السلام*، تهران، انتشارات کاوه، [بی تا].
۸. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، تهران، انتشارات مؤسسه دهخدا، [بی تا].
۹. الدیباجی، ابوالقاسم، *زینب الكبرى بطلة الحرّیه*، بیروت، انتشارات البلاغ، ۱۴۱۷ق.
۱۰. شریف القرشی، باقر، *السیده زینب*، بیروت، انتشارات دارالتعارف، ۱۴۱۹ق.
۱۱. شفیق آبادی، عبدالله، *مبانی روانشناسی رشد*، تهران، انتشارات چهر، ۱۳۷۱.
۱۲. صادقی اردستانی، احمد، *زینب قهرمان دختر علی*، تهران، انتشارات مطهر، ۱۳۷۲.
۱۳. طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
۱۴. عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱.
۱۵. فیروزآبادی، سید مرتضی حسینی، *الفضائل الخمسه*، [بی جا]، انتشارات فیروزآبادی، ۱۳۷۴.
۱۶. فیض الاسلام، سید علینقی، *خاتون دو سرا (شرح حال زینب علیها السلام)*، تهران، نشر آثار فیض الاسلام، ۱۳۶۶.
۱۷. قمی، شیخ عباس، *نفس المهموم*، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۶۸.
۱۸. مامقانی، عبدالله، *تلخیص المقال فی علماء الرجال*، نجف اشرف، انتشارات مطبعة المرتضویه، ۱۳۵۲.
۱۹. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۲۰. محمدی اشتهازدی، محمد، *حضرت زینب فروع تابان کوثر*، تهران، انتشارات برهان، ۱۳۷۹.
۲۱. مصطفی، عباسی قدم، *اسوه های قرآنی و شیوه های تبلیغ*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.
۲۲. النقدی، جعفر، *زینب الكبرى بنت الامام، النجف الاشرف*، انتشارات المكتبة الحیدریه، ۱۳۶۱.
۲۳. هاشمی نژاد، سید عبدالکریم، *درسی که حسین به انسان ها آموخت*، مشهد، انتشارات هاشمی نژاد، ۱۳۶۹.